

مقدمه

بررسی دین و مسائل مربوط به آن، در زمره مطالعاتی است که اخیراً در بسیاری از حوزه‌ها از مطلوبیت و جایگاهی خاصی برخوردار است. محققان از طریق بررسی دین و چگونگی تأثیرگذاری آن بر سایر ویژگی‌های انسان، بخصوص در حوزه تعلیم و تربیت، سعی در نشان دادن اهمیت نقش این متغیر در زندگی دارند. از جمله این بررسی‌ها، مطالعه چگونگی ارتباط دین با باور به عدالت اجتماعی است.

شهید مطهری در کتاب *عدل الهی* در باب عدالت اجتماعی می‌نویسد: «عدالت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۵۹). همچنین از دیدگاه امام علی^{علیه السلام}، عدل پایه و زیربنایی است که پایداری جهان به آن وابسته است. «العدل اساس به قوام العالم» (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۸۳). اسمیت معتقد است اصطلاح «عدالت اجتماعی» به باور داشتن فرصت‌های کافی در زمینه‌های غذا، خواب، آموزش، امنیت، موقعیت، حمایت مؤسسه‌ای، مراقبت از سلامتی، مراقبت از کودک، و ارتباطات دوست داشتن اشاره دارد (Smith, 2003, p. 167). در اینجا واژه «کافی»، اشاره به کفایتی بیشتر از حیات و زنده ماندن دارد. پس فعالیت در جهت عدالت اجتماعی یعنی دفاع، مداخله و توسعه در جهت آسان‌سازی تغییرات اجتماعی، که اجازه می‌دهد شرایط مذکور در تعریف فوق، برای همگان فراهم شود (Eldredge, 2006, p. 10).

دین از جمله عناصری که انسان‌ها را به عدالت اجتماعی سوق می‌دهد. پارگامنت معتقد است: تعاریف متنوعی از دین ارائه شده است و تعریفی که بر آن توافقی مطلق وجود داشته باشد، وجود ندارد. وی، دین را چنین تعریف می‌کند: دین فرایند جست‌وجوی معنا در زندگی، با روش‌های روحانی و معنوی است (Pargament, 1997, p. 32). کوپین، مک کولاخ و لارسون، دین را سیستمی از باورها، اعمال، تشریفات و نمادهایی می‌دانند که نزدیک شدن به روحانیت و ماوراء طبیعت (مثل خدا) را تسهیل می‌کند و درک ارتباط فرد و مسئولیتش در مقابل دیگران در زندگی جامعه را میسر می‌سازد (Koenig, & et al, 2001, p. 18). البته دین یک سازه چندبعدی است که دامنه‌ای از وابستگی و باورهای دینی تا تعهد و دانش دینی را دربرمی‌گیرد. تانگ و مک کولاخ، معتقدند: ابعاد دین را باید در یک الگوی سلسله‌مراتبی دید که در دو سطح مطرح می‌باشند: سطح اول، سطح غیرموقعیتی است. در این سطح، فرد به‌صورت شخصی دینی است و در تعاملات خود با دیگران، باورهای دینی خود را دخالت نمی‌دهد. به‌عبارت دیگر، دین جزء خصایص فرد محسوب می‌شود. سطح دوم، سطح عملیاتی که

رابطه جهت‌گیری دینی، باورهای دینی و باور به عدالت اجتماعی

بابک شمشیری* / فریا خوشبخت** / ماه‌منیر ایران‌پور***

چکیده:

هدف از این پژوهش شناسایی رابطه بین جهت‌گیری دینی، باورهای دینی و باور به عدالت اجتماعی در بین مریبان پرورشی بود. بدین‌منظور، تعداد ۱۸۰ مریب پرورشی (۱۳۲ زن و ۴۸ مرد) به سه پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی، باورهای دینی و باور به عدالت اجتماعی پاسخ دادند. جهت‌گیری دینی با دو بعد درونی و بیرونی، باورهای دینی با چهار بعد گناه، عشق خود مرکز، عشق دیگر مرکز و قراردادی و باور به عدالت اجتماعی با یک نمره کل، در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد در افرادی که دارای جهت‌گیری دینی درونی بودند و نیز در افرادی که دارای باور عشق دیگر مرکز بودند، باور به عدالت اجتماعی بالاتر بود. همچنین هر دو نوع جهت‌گیری دینی (درونی و بیرونی) به‌صورت مثبت و معنادار هر چهار نوع باور دینی (گناه، عشق خود مرکز، عشق دیگر مرکز و قراردادی) را پیش‌بینی نمود. به‌عبارت دیگر، مریبانی که بیشتر به دلیل خود دین، به دنبال دین هستند، باور عمیق‌تری به عدالت اجتماعی دارند. در مقابل، مریبانی که غالباً نگاهشان به دین به‌صورت ابزاری و منفعت‌طلبانه است، آنچنان‌که باید و شاید به عدالت اجتماعی اعتقاد ندارند. کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری دینی، باور دینی، باور عدالت اجتماعی، مریبان پرورشی.

bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir
farimah2002us@yahoo.com
iranpoormahmonir@yahoo.com

* استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز
** استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز
*** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز
دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۰۳ - پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۰۱

منعکس‌کننده تجربه، انگیزش و استفاده از دین در تعاملات شخص با دنیاست. به عبارت دیگر، بیشتر جنبه کاربردی دارد (Tsang & McCullough, 2003, p. 349).

این دو سطح را می‌توان به اشکال دیگری نیز بیان کرد: یکی از این اشکال، که در حیطه دین بسیار مطرح می‌باشد، جهت‌گیری دینی است که توسط آلپورت در سال ۱۹۵۰ مطرح شد. وی بین جهت‌گیری دینی درونی و برونی تمایز قائل شد. این دو نوع جهت‌گیری بیانگر دو شیوه متفاوت دینی بودن است. افرادی که دارای جهت‌گیری دینی بیرونی هستند، از دین برای کسب اهداف خودشان در یک روش ابزاری و یا سودمندگرایانه استفاده می‌کنند. در واقع، این تمایل نشان‌دهنده استفاده خودمرکزبینی از دین است؛ یعنی استفاده از دین برای سود رسانی به خود (مثل حمایت اجتماعی، موقعیت اجتماعی) به جای ارزش خود دین. در مقابل، جهت‌گیری درونی عنوان می‌کند که افراد به این دلیل دینی هستند که ارزش برای دین قائل‌اند. بنابراین، اهداف خدمت‌رسان به خود و نیازهای خود در درجه دوم قرار دارد. این افراد، دین را درونی می‌کنند و به صورت واقعی، حیات دینی دارند (Allport & Ross, 1967, p. 432- 443). بر اساس، نظر آلپورت، وقتی نمرات یک فرد در بعد انگیزش درونی بالا باشد، به این معناست که باورها و پیش‌فرض‌های دینی در لایه‌های عمیق زندگی او سازمان یافته‌اند و انگیزش بیرونی، بیشتر بر جهت‌گیری‌های دینی ظاهری در زندگی فرد تأکید دارد. از نظر وی، جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی، دو قطب جدا از یکدیگر هستند.

حال، سؤال این است که آیا این دو نوع جهت‌گیری واقعاً جدا از یکدیگر هستند؟ و یا باید به صورت دو قطب مجزا، که یکی درونی مطلق است و دیگری بیرونی مطلق، به آنها نگریسته شود؟ اخیراً چند پژوهش در تبیین این سؤال انجام گرفته است. در اینجا به دو مطالعه اشاره می‌شود: یکی بررسی ارتباط نظریه آلپورت با جهت‌گیری انگیزشی و دیگری بررسی ارتباط این دو نوع جهت‌گیری بر باورهای دینی (از جمله باور دریافت پاداش دینی). نیرینک، لنز، ونستنیکیست و سوئنز، با مقایسه نظریه آلپورت با نظریه انگیزشی خودتعیینی، بیان می‌دارند آنچه آلپورت به عنوان انگیزش درونی از آن یاد می‌کند، در پیوستار انگیزشی در نظریه خودتعیینی معادل انگیزش بیرونی درونی شده می‌باشد (Neyring & et al, 2010, p. 425- 438).

بنابراین، جهت‌گیری درونی واقعاً درونی مطلق نیست. همچنین لوریک و فلر در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط جهت‌گیری درونی و بیرونی آلپورت، با دریافت پاداش دینی (انتظار رفتن به بهشت بعد از مرگ و یا دریافت کمک خداوند در زندگی روزمره) پرداختند. آنها دریافتند که

جهت‌گیری درونی و ادراک دریافت پاداش دینی، می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و بُعدی واحد بسازند (Lavric & Flere, 2011, p. 217- 233). پس بخشی از جهت‌گیری درونی به سمت باورهای بیرونی دین تمایل دارد. در نتیجه، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که رابطه نوع جهت‌گیری دینی افراد که از نظر آلپورت به دو دسته کلی درونی و بیرونی طبقه‌بندی می‌شود، با باورهای دینی آنها در حیطه‌های جزئی‌تر چگونه است؟ این موضوع در این مطالعه، در قالب سؤال سوم پژوهش، به آن پرداخته خواهد شد.

دیلیو تأثیر دین را در سه حیطه دسته‌بندی می‌کند (DiIulio, 2002, p. 50- 64). دین ارگانی، دین برنامه‌ای و دین بوم‌شناختی. «دین ارگانی» به باورهای شخصی نسبت به خدا و شرکت در مراسم دینی اشاره دارد. «دین برنامه‌ای»، به شرکت در برنامه‌های دینی اجتماعی گفته می‌شود و در «دین بوم‌شناختی»، بحث سودمندی‌ها و منفعت‌هایی است که مستقیماً برگرفته از دست افراد یا سازمان‌های دینی باشند. روشن است که مؤسسات دینی در جهت عدالت اجتماعی فعالیت می‌کنند، اما سؤال این است که وقتی دین فردی مطرح می‌شود، چگونه می‌تواند بر باور عدالت اجتماعی فرد تأثیر گذارد؟ با مطالعه منابع ادیان ابراهیمی به این واقعیت دست می‌یابیم که این ادیان به عدالت جایگاه ارزشمندی داده‌اند. از نظر این ادیان، کل نظام هستی بر پایه عدل استوار است. اسلام، همان‌گونه که محور و اساس جهان هستی را بر بنیان عدل استوار می‌داند، در مورد انسان و روابط او نیز به این مهم توجه ویژه نموده است. منابع دینی سرشار از سفارش‌ها نسبت به برقراری عدالت در محیط زندگی اجتماعی است. خداوند یکی از اهداف اساسی فرستادن پیامبران را اقامه عدل در جامعه بشری بیان کرده است (عالمی، ۱۳۸۸، ص ۳ و ۲). در مسیحیت آمده است: کسی که همسایه‌اش را دوست داشته باشد، خودش را دوست دارد. در اسلام نیز بر این موضوع بسیار تأکید شده است. از جمله در این حدیث معروف از حضرت فاطمه (س) «اول همسایه بعد خانه» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۶۲) و یا «کسی که شب را به صبح برساند و همسایه‌اش شب گرسنه سر به بالین بگذارد، مسلمان نیست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۵۷). بنابراین، در مبانی دینی بخصوص اسلام برابری و تساوی و عدالت اجتماعی نهفته است.

الدريچ طی پژوهشی روی بزرگسالان، دریافت که باورهای دینی، باورهای عدالت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند (Eldredge, 2006, p. 80). باورهای عشق به دیگران، جهت‌گیری دینی درونی، در گروه پروتستان‌ها عدالت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کرد و در سایر افراد جهت‌گیری درونی، جهت‌گیری بیرونی، باورهای جهت‌دهنده گناه و عشق به دیگران باورهای عدالت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کرد.

اگرچه با بررسی اجمالی، در زمینه ارتباط باورهای دینی و عدالت اجتماعی در ایران مطالعه‌ای وجود ندارد، اما مطالعات بسیاری در حوزه باورهای دینی و متغیرهای دیگر انجام شده است. از جمله، مرتبط‌ترین پژوهش با مطالعه حاضر تحقیق گل‌پرور و خاکسار می‌باشد. در این مطالعه، با فرض یک مدل علی به بررسی ارتباط بین جهت‌گیری دینی، پایبندی دینی، باور دنیای عادلانه و سلامت عمومی دانشجویان پرداخته شد. در این مدل، دین و باور دنیای عادلانه به‌عنوان دو متغیر مستقل سلامت عمومی را پیش‌بینی می‌کند. هرچند محققان این مطالعه معتقدند که باور به عدالت، به‌صورت کلی دارای درون‌مایه‌های دینی می‌باشند (گل‌پرور و خاکسار، ۱۳۸۸).

در پژوهشی دیگر، رجایی و همکاران نیز به بررسی باورهای دینی و سلامت عمومی و بحران هویت در دانشجویان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که هرچه قدر افراد به دین باور بیشتری داشته باشند، از سلامت عمومی بالاتر و بحران هویت کمتر برخوردارند (رجایی و همکاران، ۱۳۸۸). خوشبخت دریافت که بین میزان حضور در مراکز دینی و باور افراد به ترویج و تأثیر دین در زندگی رابطه مثبت وجود دارد (خوشبخت، ۱۳۹۰). توکلی و همکاران نیز دریافتند که بین هویت اخلاقی دانشجویان و میزان دینداری آنها، رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین دینداری و هویت اخلاقی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد (توکلی و همکاران، ۱۳۸۸). تحقیقات بسیاری در زمینه تأثیر دین بر رفتار و بهداشت روانی صورت گرفته است که در غالب موارد عملکرد و تأثیر دین مثبت بوده است.

آنچه بیان شد، حکایت از اهمیت نقش دین در زندگی انسان‌ها دارد. هر جامعه‌ای می‌کوشد فرزندان خود را بر پایه بنیادهای اعتقادی خود، که اصول دینی را دربرمی‌گیرد، پرورش دهد و تلاش می‌کند این مبانی را از طریق آموزش و پرورش و به‌واسطه مجریانی همچون معلمان و در طی فرایندی به نام «جامعه‌پذیری»، به دانش‌آموزان انتقال دهد. از جمله کسانی که در مدارس نقش مهمی در این زمینه دارند، مربیان پرورشی هستند. مطالعه حاضر با در نظر داشتن اهمیت جایگاه مربیان پرورشی، درصدد پاسخ به سؤالات زیر در نمونه‌ای از مربیان پرورشی است:

۱. آیا جهت‌گیری دینی می‌تواند به‌صورت معناداری عدالت اجتماعی را پیش‌بینی کند؟
۲. آیا باورهای دینی می‌تواند عدالت اجتماعی را به‌صورت معناداری پیش‌بینی نماید؟
۳. قدرت پیش‌بینی جهت‌گیری دینی برای باورهای دینی چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که به بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی جهت‌گیری و باورهای

دینی برای باور به عدالت اجتماعی مربیان پرورشی می‌پردازد.

جامعه و نمونه پژوهش؛ جامعه مطالعه حاضر، همه مربیان پرورشی چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز حدود ۱۰۰۰ نفر بودند. تعداد نمونه این پژوهش مشتمل بر ۱۸۰ نفر از مربیان پرورشی بود که به شیوه تصادفی از بین مربیان پرورشی هر چهار ناحیه انتخاب شدند. نمونه شامل ۱۳۲ مربی زن و ۴۸ مربی مرد بود که دارای دامنه سنی بین ۲۶ تا ۵۶ سال بودند. از این تعداد، ۲ نفر دیپلم، ۳۵ نفر فوق‌دیپلم، ۱۱۲ نفر لیسانس، ۵ نفر فوق‌لیسانس بودند و ۱۸ نفر هم سطح تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند. ۷۸ نفر در رشته امور تربیتی و یا رشته‌های مرتبط (روان‌شناسی و علوم تربیتی) و ۷۶ نفر در رشته‌های غیرمرتبط تحصیل کرده بودند.

ابزار پژوهش؛ در این مطالعه، از سه پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی، باورهای دینی و باورهای عدالت اجتماعی استفاده شد.

الف. پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی: از پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی (Allport & Ross, 1967, p. 432-443) برای اندازه‌گیری جهت‌گیری دینی استفاده گردید. این پرسش‌نامه دارای ۲۰ گویه می‌باشد که پاسخ‌های آن بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای در مقیاس لیکرت تنظیم شده‌اند. این ابزار دارای دو بعد است که جهت‌گیری دینی درونی و جهت‌گیری دینی بیرونی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در مطالعاتی مانند جان‌بزرگی (۱۳۸۶) و لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵)، پایایی این ابزار به شیوه آلفای کرونباخ احراز شد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای بعد جهت‌گیری درونی ۰/۶۵ و جهت‌گیری بیرونی ۰/۶۳ محاسبه گردید.

ب. مقیاس باورهای دینی: این مقیاس توسط الدرچ و بر اساس مقیاس باورهای دینی عشق و گناه مک‌کاناهی و هاق (Eldredge, 2006, p. 60, C.f. McConahay & Hough, 1973) ساخته شده است. این ابزار، چهار نوع باورهای دینی را می‌سنجد: باور دینی گناه، باور دینی عشق خود مرکز، باور دینی عشق دیگر مرکز و باورهای دینی قراردادی. این مقیاس، ابتدا به فارسی برگردانده شد. سپس، توسط شخص دیگری از فارسی به انگلیسی ترجمه شد. سپس با توجه به اسلام، مورد انطباق فرهنگی قرار گرفت. جهت بررسی پایایی این مقیاس، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضرایب برای ابعاد آن از ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ به دست آمد.

ج. پرسش‌نامه باور به عدالت اجتماعی: این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۶ توسط الدرچ، از ترکیب سؤالات بعد نتایج اجتماعی از پرسش‌نامه ابعاد بین فرهنگی دین (Eldredge, 2006, p. 73, C f. DeJong, Faulkner, &)

ارزیابی قدرت پیش‌بینی باورهای دینی برای باور به عدالت اجتماعی نیز از رگرسیون چندمتغیری به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳: رگرسیون باورهای دینی روی باور عدالت اجتماعی

متغیر	R	R ²	β
باور گناه	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۱۰
باور عشق خود مرکز			-۰/۰۱
باور عشق مردم (دیگر) مرکز			۰/۲۵**
باور به سنت			۰/۱

**p < ۰/۰۱

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، باور دینی عشق دیگر مرکز به‌صورت معناداری به پیش‌بینی عدالت اجتماعی پرداخته است. سایر انواع باورهای دینی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری نداشته‌اند. به‌عبارت دیگر، زمانی که باور دینی عشق دیگر مرکز در مریان پرورشی افزایش می‌یابد، باور به عدالت اجتماعی نیز در آنها زیاد می‌شود.

سؤال سوم: قدرت پیش‌بینی جهت‌گیری دینی برای باورهای دینی چگونه است؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال، از آزمون رگرسیون چندمتغیری به شیوه همزمان استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۴ نشان داده شده‌اند.

جدول ۴: رگرسیون جهت‌گیری دینی روی باورهای دینی

متغیر	باور گناه			باور عشق خود مرکز			باور عشق دیگر مرکز			باور قراردادی		
	β	R ²	R	β	R ²	R	β	R ²	R	β	R ²	R
جهت‌گیری درونی	۰/۲۰*	۰/۱۱	۰/۳۴	۰/۲۲**	۰/۲۶	۰/۵۱	۰/۱۷*	۰/۱۹	۰/۴۴	۰/۳۱	۰/۵۷	۰/۴۵**
جهت‌گیری بیرونی	۰/۲۶**	۰/۲۶	۰/۳۴	۰/۲۲**	۰/۲۶	۰/۵۱	۰/۱۷*	۰/۱۹	۰/۴۴	۰/۳۱	۰/۵۷	۰/۴۵**

**p < ۰/۰۱ و *p < ۰/۰۵

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد:

۱. جهت‌گیری دینی درونی به‌صورت معنادار و مثبت و جهت‌گیری دینی بیرونی، هم به‌صورت معنادار و مثبت به پیش‌بینی باور دینی گناه پرداخته است.
۲. باور عشق خود مرکز، به‌صورت مثبت و معنادار، توسط جهت‌گیری درونی و جهت‌گیری بیرونی پیش‌بینی شده است.
۳. جهت‌گیری درونی و جهت‌گیری بیرونی، (به‌صورت مثبت) به پیش‌بینی باور عشق دیگر مرکز پرداخته‌اند.
۴. باور قراردادی دین نیز توسط جهت‌گیری درونی و جهت‌گیری بیرونی (به‌صورت معنادار و مثبت) پیش‌بینی شده‌اند.

(Warland, 1976) و مقیاس برابر سازی (Eldredge, 2006, p. 73, C.f. Bales & Couch, 1969) ساخته شده است که بیانگر این است که تا چه اندازه فرد دارای باورهای حمایت از اصول عدالت اجتماعی است. وی در پژوهش خود همسانی درونی این ابزار را با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ گزارش می‌کند. پرسش‌نامه باور به عدالت اجتماعی دارای ۱۱ گویه می‌باشد. در این پژوهش، این مقیاس ابتدا به فارسی برگردانده شد و سپس توسط شخص دیگر از فارسی به انگلیسی ترجمه شد. برای احراز پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و میزان ضریب آلفا، ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج در جدول شماره ۱ آمده است. نتایج نشان می‌دهد بجز همبستگی بین جهت‌گیری بیرونی و جهت‌گیری درونی، سایر ضرایب همبستگی همگی معنادار می‌باشند.

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- جهت‌گیری درونی	۱						
۲- جهت‌گیری بیرونی	۰/۰۸	۱					
۳- باورهای گناه	۰/۲۶**	۰/۳۵**	۱				
۴- باورهای عشق خود مرکز	۰/۲۷**	۰/۵۱**	۰/۳۹*	۱			
۵- باورهای عشق دیگر مرکز	۰/۲۸**	۰/۴۶**	۰/۲۴**	۰/۴۱**	۱		
۶- باورهای قراردادی	۰/۵۱**	۰/۳۹**	۰/۳۷**	۰/۳۶**	۰/۸۵**	۱	
۷- عدالت اجتماعی	۰/۳۲**	۰/۲۰*	۰/۱۵*	۰/۱۶*	۰/۳۰**	۰/۲۰*	۱

**p < ۰/۰۱ و *p < ۰/۰۵

سؤال اول: آیا جهت‌گیری دینی می‌تواند به‌صورت معناداری عدالت اجتماعی را پیش‌بینی کند؟ جهت پاسخ‌گویی به این سؤال، از تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۲ گزارش شده‌اند.

جدول ۲: رگرسیون جهت‌گیری دینی روی باور عدالت اجتماعی

متغیر	R	R ²	β
جهت‌گیری درونی	۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۳۱**
جهت‌گیری بیرونی			۰/۱۲

**p < ۰/۰۱ و *p < ۰/۰۵

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، از بین جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی، جهت‌گیری درونی به‌صورت معناداری به پیش‌بینی باور به عدالت اجتماعی پرداخته است؛ بدین معنا که هر قدر جهت‌گیری درونی مریان پرورشی افزایش می‌یابد، میزان باور به عدالت اجتماعی نیز در آنان افزایش می‌یابد. سؤال دوم: آیا باورهای دینی می‌تواند عدالت اجتماعی را به‌صورت معناداری پیش‌بینی نماید؟ برای

این نتایج بدین معناست که با افزایش جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی، باورهای دینی از هر نوع که باشد (گناه، عشق دیگر محور، عشق خود محور و قراردادی) به صورت معناداری افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهند، بین جهت‌گیری دینی درونی و باور به عدالت اجتماعی رابطه معناداری دیده می‌شود. به عبارت دیگر، مریانی که بیشتر به دلیل خود دین، به دنبال دین هستند، باور عمیق‌تری به عدالت اجتماعی دارند. در مقابل، مریانی که غالباً نگاهشان به دین به صورت ابزاری و منفعت‌طلبانه است، آنچنان‌که باید و شاید به عدالت اجتماعی، اعتقاد ندارند. علی‌رغم آنکه، به نظر می‌رسد، افراد دارای جهت‌گیری دینی درونی، غالباً به جنبه‌های شخصی و معنوی دین توجه نشان داده و کمتر متوجه جنبه‌های اجتماعی و جلوه‌های بیرونی دین هستند. این یافته نشان می‌دهد که برخلاف انتظار ظاهری، اشخاص دارای جهت‌گیری درونی، به وجوه اجتماعی دین، که بر محور ارزش‌های انسانی شکل گرفته و سود و منفعت دیگران نیز در آن دخیل می‌باشد، توجه نشان می‌دهند. از این‌رو، به نظر می‌رسد این افراد (دارای جهت‌گیری درونی دینی)، به تبع باورشان، در عمل نیز برای ارزش‌های انسانی اجتماعی مثل عدالت کوشش بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ چراکه این افراد باورشان به دین به دلیل خود دین است. بنابراین، درک بهتر، کامل‌تر و در مجموع همه‌جانبه‌تری از دین دارند و به جنبه‌های اجتماعی دین نیز نگاه سالم‌تری خواهند داشت. درحالی‌که، افراد دارای جهت‌گیری دینی بیرونی، نگاهشان به دین با انگیزه‌های سودجویانه درآمیخته است. در نتیجه، ادراکشان نیز از دین و جنبه‌های مختلف آن تحت تأثیر این انگیزه‌های درونیشان قرار می‌گیرد.

علاوه بر این، نتایج به دست آمده نشان داد که در میان مرییان پرورشی، بین باورهای دینی عشق دیگر مرکز با باور عدالت اجتماعی نیز همبستگی وجود دارد. این یافته، دلالت بر دو نکته بسیار مهم دارد: نخست اینکه، عشق و محبت به دیگران از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های دین تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، عشق و محبت از جمله عناصر بنیادی ادیان توحیدی از جمله اسلام است (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۸۳). در حقیقت، مطابق با دیدگاه عرفای مسلمان، عشق عنصر وجودی جهان هستی تلقی شده و به همین دلیل، جوهره اصلی ادیان می‌باشد. برخی از اندیشمندان نیز عشق و محبت را به عنوان عناصر معنویت تلقی کرده و معنویت را نیز هسته مرکزی ادیان به حساب آورده‌اند (ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵). بنابراین، دینداری راستین بدون معنویت و عناصر اصلی آن از جمله عشق و محبت، امکان‌پذیر نیست.

از سوی دیگر، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نیز از جمله ارکان بنیادی جهان‌بینی عرفانی است (Shamshiri, 2011, p. 247- 254). همان‌طور که برخی از صاحب‌نظران (نصر، ۱۳۸۲، ص ۵۰؛ ملکیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷؛ شوان، ۱۳۸۱، ص ۴۶) اظهار داشته‌اند: عرفان را باید جوهر ادیان به‌شمار آورد. پس می‌توان نتیجه گرفت: اخلاق نیز مانند عشق از جمله ارکان ادیان به حساب می‌آید. شاید به همین دلیل است که پیامبر اسلام، رسالت خود را در جهت تکمیل ارزش‌های اخلاقی می‌داند. بدین ترتیب، به لحاظ نظری، هر جا که صحبت از عشق و محبت باشد، لاجرم اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نیز مطرح است؛ چراکه هر دو از عناصر معنویت به حساب می‌آیند. این نتیجه نظری در یافته‌های این پژوهش تأیید شد؛ چراکه دیده شد بین باور به عدالت اجتماعی به عنوان یک ارزش اخلاقی و باور عشق به دیگری، رابطه مثبت معنادار دیده شد.

از نتایج این پژوهش می‌توان به این پیشنهادها کاربردی رسید:

۱. با توجه به کارایی مقیاس‌های به‌کار برده شده در تحقیق حاضر، یعنی مقیاس جهت‌گیری دینی، باورهای دینی و باور عدالت اجتماعی، می‌توان آنها را در گزینش و استخدام نیروهای پرورشی مورد استفاده قرار داد؛ چراکه ابزاری مناسب برای تمایز افرادی هستند که به دلیل نوع جهت‌گیری و باورهایشان، می‌توانند اثرات مثبتی بر دانش‌آموزان داشته باشند.

۲. برنامه‌های آموزشی مرییان پرورشی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که از خلال این برنامه‌ها، مرییان بتوانند با انواع جهت‌گیری دینی، باورهای دینی و همچنین باور عدالت اجتماعی و نیز پیامدهای هر کدام از آنها بیشتر آشنا شوند. به نظر می‌رسد، این آشنایی منجر به درک بهتری از دین، جهت‌گیری دینی و به‌طور کلی باورهای دینی خواهد شد.

اما از جمله محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به نوع ابزار و تعامل آن با نمونه پژوهش (مرییان پرورشی) اشاره کرد. از آنجایی که از یک‌سو، ابزارهای این مطالعه از نوع کاغذ مدادی بودند که در آن آزمودنی به گزارش عقاید خود می‌پردازد و از سوی دیگر، آزمودنی‌های این مطالعه مرییان پرورشی بودند که عمده کار آنها مربوط به مسائل دینی است، ممکن است پاسخ‌ها تا حدی تحت تأثیر مطلوبیت اجتماعی قرار گرفته باشد. به نظر می‌رسد، طراحی پژوهشی دیگر، که از طریق مصاحبه به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد و یا مطالعه کیفی، بتواند از این اثر بکاهد.

منابع

233.
Neyring, B., Lens, W., Vansteenkiste, M. & Soenes, B. (2010). Updating Allport's and Batson's framework of religious orientations: A reevaluation from the perspective of self-determination theory and Wulff's social cognitive model. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 49(3):425-438.
- Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. New York: Guilford Press.
- Shamshiri, B. (2011). Educational aims according to Islamic mystical theory of education. Papered in international conference of society, integration, education. Rezekne, Latvia.
- Smith, J. M. (2003). *A potent spell: Mother love and the power of fear*. Boston: Houghton Mifflin.
- Tsang, J. A. & McCullough, M. E. (2003). Measuring religious constructs: A hierarchical approach to construct organization and scale selection. In S. J. Lopez & C. R. Snyder (Eds). *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures* (p. 345-360). Washington, D.C.: American Psychological Association.
- توکلی، ماهگل و همکاران، «بررسی رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و هویت اخلاقی در دانشجویان دانشگاه اصفهان» (۱۳۸۸)، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۳ (۵)، ص ۶۵-۷۷.
- جان‌بزرگی، مسعود، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان» (۱۳۸۶)، *پژوهش در پزشکی* (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی)، ش ۳۱ (۴)، ص ۳۴۵-۳۵۰.
- خوشبخت، فریبا، «بررسی رابطه باورهای دینی (تاثیر دین و ترویج دین) با میزان حضور در مراکز دینی در والدین کودکان دبستانی» (۱۳۹۰)، چهارمین همایش نواندیشی دینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- رجایی، علیرضا و همکاران، «باورهای دینی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان» (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ش ۶ (۲۲)، ص ۹۷-۱۰۷.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۵)، *تریت از منظر عشق و عرفان*، تهران، طهوری.
- شوان، فرتیوف (۱۳۸۸)، *گوهر و صدف عرفان اسلامی*، ترجمه مینو حجت، تهران، سهرودی.
- عالمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، *نقش دین در برقراری عدالت اجتماعی*، سایت (www.dingostar.com).
- گل‌پرور، محسن و سروره خاکسار، «سلامت عمومی دانشجویان تابعی از جهت‌گیری دینی، پایداری دینی و باورهای دنیای عادلانه توزیعی و رویه‌ای» (۱۳۸۸)، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۳، ص ۴۳-۶۴.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و همکاران، «بررسی جهت‌گیری دینی و سلامت روانی مهاجران بر اساس مدل آپورت و راس: نمونه مورد مطالعه قصرشیرین» (۱۳۸۵)، *دو فصلنامه علوم اجتماعی مشهد*، ش ۳، ص ۹۵-۱۰۵.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، *بحار الانوار*، ترجمه محمد آخوندی و سیدجواد علوی، تهران، دارالکتب اسلامی.
- محمدری شهری، محمد (۱۳۸۶)، *حکمت نامه پیامبر اعظم ﷺ*، قم، دارالحدیث.
- مظهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *عدل الهی*، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۸۱)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، ج بیستم، تهران، صدرا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، *معنویت، گوهر ادیان در مجموعه سنت و سکولاریسم*، تهران، صراط.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، *آموزه‌های صوفیان: از دیروز تا امروز*، ترجمه حسین حیدری و محمدهادی امینی، تهران، قصیده سرا.
- Allport, G. W. & Ross, J. M. (1967), Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, v 5, p. 432- 443.
- DiIulio, J. (2002). The three faith factors. *The Public Interest*, 149, 50-64. Retrieved September, 2004, from http://www.brookings.edu/views/articles/diulio/pi_fall2002.htm
- Eldredge, R.A. (2006). Relationship between religious orientation, religious beliefs, and social justice. Phd dissertation, Southern Illinois University Carbondale.
- Koenig, H. G., & et al. (2001). *Handbook of religion and health*. London: Oxford University Press.
- Lavric, M. & Flere, S. (2011.) Intrinsic religious orientation and religious rewards: An empirical evaluation of two approaches to religious motivation. *Rationality and Society* 23(2): 217-

